

بررسی تطبیقی «جبران خسارت معنوی شخص حقوقی» در حقوق ایران، مصر و فرانسه

چکیده

اشخاص حقوقی همانند اشخاص حقیقی، از حقوق و تکالیف قانونی برخوردار بوده و به‌عنوان بازیگران مؤثر در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، قابلیت ورود ضرر را دارند. درباره جبران زیان‌های مالی و معنوی وارد بر اشخاص حقیقی، اتفاق نظر وجود دارد؛ اما در خصوص امکان ورود و جبران زیان معنوی نسبت به اشخاص حقوقی، اختلاف نظر جدی میان حقوق‌دانان، قضات و صاحب‌نظران مشاهده می‌شود. مسئله اساسی آن است که آیا بنا به ماهیت غیرانسانی شخص حقوقی، صدمات حیثیتی، اعتباری یا غیرمادی را می‌توان شناسایی و قابل جبران دانست یا خیر؟ برخی نظریات، با استناد به ماهیت فرضی و غیر واقعی شخصیت حقوقی، معتقدند که پذیرش زیان معنوی در این خصوص فاقد مبنای منطقی و حقوقی است. در مقابل، دیدگاه‌های دیگری با تأکید بر برابری حقوقی اشخاص حقوقی و حقیقی، استناد به قاعده «لاضرر»، و با تکیه بر شناسایی آثار زیان‌بار حیثیتی و اعتباری در روابط تجاری، از امکان جبران چنین خساراتی دفاع می‌کنند. در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی ضمن بررسی این دیدگاه‌ها و مطالعه تطبیقی در حقوق کشور های فرانسه و مصر به همراه ایران تلاش شده است تا امکان جبران این نوع ضرر برای اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران اثبات شود همچنان که در برخی قوانین مصوب مجلس صراحتاً ورود زیان معنوی به اشخاص حقوقی مورد اشاره قرار گرفته است.

کلیدواژه: زیان معنوی؛ خسارت معنوی شخص حقوقی؛ شخص حقوقی و زیان معنوی

۱. مقدمه

در کنار اشخاص حقیقی، ضرورت‌های روابط اجتماعی و حقوقی ایجاب می‌کند که اشخاص حقوقی با ماهیتی اعتباری به رسمیت شناخته شوند. با ورود شخص حقوقی به جامعه، علم حقوق ناگزیر از پاسخگویی به برخی مسائل در حوزه‌های مرتبط با آن خواهد بود. یکی از این مسائل، مسئولیت مدنی و ورود ضرر به شخص حقوقی است. تردیدی وجود ندارد که ورود ضرر مادی به اشخاص حقوقی قابل جبران است و امکان اقامه دعوا برای دادخواهی در این خصوص وجود دارد؛ اما در مورد خسارت معنوی، بحث‌های نظری و اختلاف‌نظرهای متعددی وجود دارد.

یکی از مسائل اصلی در این حوزه آن است که آیا به‌طور کلی، امکان ورود ضرر معنوی به شخص حقوقی وجود دارد؟ دیدگاه سستی بر این باور است که ضرر معنوی صرفاً مختص اشخاص حقیقی است، زیرا شخص حقوقی فاقد عواطف و احساسات بوده و در نتیجه، متحمل خسارت معنوی نمی‌شود. با این حال، این رویکرد به مرور زمان تعدیل شده و با تردیدهایی روبه‌رو گشته است؛ زیرا در اجتماعات امروزی، اعتبار و حیثیت اشخاص حقوقی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی فعالیت‌های روزمره آنان، ممکن است دچار آسیب و لطمه شود. بنابراین، نخست باید امکان تحقق ضرر معنوی برای اشخاص حقوقی بررسی شود. در صورتی که پاسخ مثبت باشد، این پرسش مطرح خواهد شد که میانی و نحوه‌ی جبران چنین خسارتی چگونه باید تعیین گردد. در این راستا همچنین لازم است به وجه تمایز این موضوع با خسارات گروهی نیز اشاره بشود. توضیح این که اگر عامل زیان خسارتی مادی و معنوی بر شخص یا اشخاص محدودی وارد نماید می‌توان خسارت وارده را خسارت شخصی تلقی کرد. در این گونه خسارات زیان متوجه شخص یا اشخاص محدود و معینی می‌شود. این مفهوم مقابل مفهوم خسارت گروهی می‌باشد. خسارت گروهی خسارتی است که جمع کثیری از اشخاص را به صورت مادی و معنوی متضرر می‌سازد. اشخاص متضرر از خسارت گروهی ممکن است عده‌ای از افراد جامعه یا جمعی از آنان که عضو انجمن‌ها و احزاب و تشکل‌ها هستند باشند بنابراین زیان دیده در خسارت گروهی افراد معدود و معینی نیستند (حیاتی، ۱۳۹۸، ۱۲۱). در خسارت گروهی ممکن است به اشخاص دارای شخصیت حقوقی زیان وارد شود. در حقوق ایران از ضرر مزبور تحت عنوان زیان جمعی انجمن‌ها یاد می‌شود. انجمن‌گاه در معنای عام تری استفاده می‌شود و به معنای جمع‌های تشکل یافته واحد شخصیت حقوقی نیز اطلاق می‌شود. مانند کانون وکلای دادگستری، صنف طلا فروشان، ستاد دیه و... سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا برای ضرر جمعی وارد به اعضای آن تشکل دعوای مسوولیت مدنی قابل قبول می‌باشد یا خیر؟ در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد در حقوق فرانسه جبران چنین خساراتی تجویز شده است مبنای حقوقی چنین تجویزی نمایندگی ضمنی اعطایی به شخص حقوقی از سوی اعضای تشکل عنوان شده است به عبارت دیگر اعضای تشکل به صورت ضمنی به شخص حقوقی نمایندگی داده‌اند که اگر به منافع جمعی ایشان خسارت وارد شود برای مطالبه خسارت علیه عامل زیان اقامه دعوا کند. بر این اساس در فرانسه امکان مطالبه زیان جمعی در قوانین راجع به بعضی از مشاغل حرفه‌ای از جمله وکلا، پزشکان، داروسازان و... وجود دارد. (حیاتی، ۱۳۹۸، ۱۲۶)

اما سوالی که در خصوص شخصیت‌های تشکل نیافته مطرح می‌شود این است که آیا ایراد زیان به چنین انجمن‌ها و تشکل‌هایی قابلیت اقامه دعوا و مطالبه زیان دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد که در قوانین و مقررات مسوولیت مدنی متبادر از مفهوم ضرر ضرر

هایی است که متوجه حقوق خصوصی اشخاص می شود و لذا از چنین مقرراتی نمی توان ضرورت جبران ضررهای جمعی وارد بر اشخاص تشکل نیافته را استنباط کرد. (حیاتی، ۱۳۹۸، ۱۲۶).

بر این اساس منظور از خسارت معنوی وارد بر شخص حقوقی موضوع بحث حاضر نیز اشخاص و گروه هایی هستند که دارای شخصیت حقوقی باشند و زیان معنوی بر اصناف کلی مورد نظر نمی باشد. بنابراین، در بحث خسارت معنوی وارد بر شخص حقوقی، تمرکز بر نهادها و گروه هایی است که دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند. خسارت معنوی مورد نظر، ناظر بر لطمه به اعتبار، حیثیت یا شهرت این اشخاص حقوقی است و نباید با خسارت های گروهی وارد بر اصناف یا جمع های فاقد شخصیت حقوقی خلط شود.

اهمیت این پژوهش از آنجا ناشی می شود که به موضوعی نسبتاً نوپای حقوقی و قضایی می پردازد؛ موضوعی که هنوز با اختلاف نظرهای جدی روبه روست و در رویه قضایی، ثبات لازم در خصوص آن شکل نگرفته است. افزون بر این، در محاکم قضایی، بررسی های لازم بر اساس مبانی حقوقی جامع انجام نشده و این خلأ علمی و عملی همچنان پابرجاست. از این رو، این پژوهش بر آن است تا پاسخی روشن به پرسش اصلی تحقیق ارائه دهد که نه تنها راهنمایی برای قضات در مواجهه با پرونده های مرتبط باشد، بلکه خلأ موجود در ادبیات حقوقی را نیز پر کند. در ادامه، پس از بررسی کلیات و مبانی فقهی حقوقی، به نحوه جبران خسارت معنوی شخص حقوقی پرداخته شده و با نگاهی تطبیقی، دیدگاه های حقوق مصر و فرانسه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پیشینه پژوهش: در خصوص این موضوع، تاکنون مقالات معدودی منتشر شده اند که محور آن ها با این پژوهش تفاوت دارد. یکی از این موارد، مقاله ای با عنوان «قابلیت مطالبه ی زیان معنوی از سوی شرکت های تجاری» است که در مجله ی دیدگاه های حقوق قضایی در سال ۱۴۰۱ منتشر شده است. این مقاله، قابلیت مطالبه ی زیان معنوی توسط شرکت ها را با تمرکز بر ماهیت آن ها بررسی کرده و ضمن اشاره به آرای برخی دادگاه های اروپایی حقوق بشر و انگلستان، این مسئله را تحلیل می کند. مقاله ی دیگری با عنوان «واکاوای شرایط خسارت معنوی اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان» که در مجله ی مطالعات فقه اقتصادی در سال ۱۴۰۲ منتشر شده است، با وجود برخی ناهماهنگی ها در ارائه ی مطالب، عمدتاً بر کلیات مسئولیت مدنی متمرکز بوده و فاقد پرداخت کافی به ماهیت خسارت معنوی اشخاص حقوقی است. همچنین مقالات دیگری با محوریت جبران خسارت معنوی به صورت مطلق نگاشته شده اند؛ از جمله این موارد مقاله ای با عنوان «جبران خسارت معنوی از منظر فقه و حقوق با تأکید بر ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲» نوشته فاضل حدادی در مجله رسائل (شماره ۵ و ۶ سال ۱۳۹۴) بوده که به آرا موافقان و مخالفان مطالبه خسارت معنوی پرداخته است و به برخی منابع فقهی نیز اشاره نموده است. همچنین در مقاله دیگری با عنوان «مفهوم و چگونگی جبران خسارتهای گروهی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)» نوشته علی عباس حیاتی در فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی (شماره ۴ سال ۱۳۹۸) نگاشته شده و در آن به بررسی تطبیقی خسارات جمعی وارده به انجمن ها و اصناف و اشخاص حقوقی به صورت پرداخته است و نهایتاً تعلق خسارت شخصی به افراد معدود را پذیرفته و تعلق خسارت به اصناف و انجمن های غیرمتشکل را نپذیرفته است. همچنین در مقاله دیگری نیز با عنوان «بررسی تطبیقی جبران خسارت معنوی هتک حیثیت

اشخاص در نظام حقوقی ایران و انگلستان» به صورت بسیار مختصر و جزیی به زیان معنوی وارد بر شخص حقوقی پرداخته و آن را دارای مبنای قانونی دانسته است. که البته در هیچ یک از این موارد اخیر تمرکزی بر جبران خسارات معنوی وارد بر اشخاص حقوقی دیده نمی شود.

در این پژوهش، علاوه بر اشاره و نقد ادله‌ی مخالفان جبران خسارت معنوی اشخاص حقوقی، جدیدترین آرای دیوان عالی مصر و فرانسه نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. مفهوم ضرر معنوی در حقوق ایران، مصر و فرانسه

در حقوق ایران، زیان لطمه ای به حساب می آید که به یکی از حقوق اشخاص وارد می شود. می توان گفت هر جا نقضی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از بین برود یا به سلامتی و حیثیت و عواطف شخص لطمه ای وارد آید، ضرر و زیان به وجود آمده است (کاتوزیان، ۱۴۰۲، ۲۴۲). یکی از اقسام زیان، خسارتی است که به امور غیر مادی و ناملموس اشخاص از جمله عواطف، شخصیت و حیثیت مدنی و تجاری وارد می شود، زیان معنوی (خسارت معنوی) است. (میرشکاری و حسینی، ۱۴۰۲، ۳۵۲). ویژگی ضررهای معنوی این است که برخلاف ضررهای مالی و بدنی قابل مشاهده و دیدن نیستند؛ لذا برخلاف خسارات وارده به این موارد در خصوص زیان معنوی تردید هایی وجود دارد. که البته این تردیدها امروزه با وجود قانون مسئولیت مدنی و قانون آیین دادرسی کیفری کم تر شده است.

حقوق دانان مصری هم ضرر معنوی را به عنوان آسیبی تعریف کرده اند که به دارایی فرد لطمه نمی زند، بلکه بر ارزش های غیرمالی او تأثیر می گذارد (أبو عجیلة، ۲۰۲۴، ۶۶۸). لذا انواع آن را از جمله خسارت معنوی که بر بدن تأثیر می گذارد، مانند زخم ها و جراحات بدن و درد ناشی از آنها که ممکن است منجر به تغییر شکل صورت، اندام یا بدن به طور کلی شود نام برده اند. این خسارت تنها در صورتی خسارت مادی محسوب می شود که منجر به صرف هزینه برای درمان یا از دست دادن توانایی کسب درآمد شود و تنها در صورتی خسارت معنوی محسوب می شود که منجر به موارد مذکور نشود. همچنین خسارت معنوی که بر آبرو، اعتبار و شهرت تأثیر می گذارد، مانند تهمت، توهین، افتراء، آسیب رساندن به آبرو از طریق اظهارات دروغ و هتک حیثیت، همه این اعمال. خسارت معنوی به حساب می آیند (فتح الباب، ۲۰۲۴، ۳۲۹۷). برخی دیگر نیز آن را چنین تعریف می کنند: «ضرری که به بدن، آبرو، مال یا هر یک از شئون محترم انسان وارد می شود و ناشی از تزییع حق مشروع یا ایجاد امر نامشروع است.» (باسل، ۲۰۰۹، ۱۱).

دیوان عالی مصر نیز در رأی مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۹۸ خسارت معنوی را اینگونه تعریف می کند که شامل هرگونه آسیبی می شد که به آبروی شخص آسیب می رساند یا بر عواطف و احساسات او تأثیر می گذارد (صالح السندی، ۲۰۲۲، ۹۰).

در حقوق فرانسه، ضرر معنوی به آن نوع ضرری گفته می شود که به احساسات یا عواطف شخص آسیب می زند و به عنوان "خسارت عاطفی (Préjudice d'affection) شناخته می شود. همچنین شامل ضرری است که به شرافت و آبرو وارد شده و باعث رنجش روانی زیان دیده می گردد. در مقابل، برخی دیگر در حقوق فرانسه قائل به دو معنا برای ضرر معنوی هستند: ۱. ضرری که به احساسات زیان دیده لطمه می زند؛ مانند آسیبی که ممکن است به شرافت، آبرو یا عواطف او وارد شود. این نوع

ضرر در مقابل "ضرر مادی" به معنای محدود آن قرار دارد که شامل هرگونه آسیب مستقیم به دارایی‌های خصوصی و خسارت‌های جسمانی (شامل تمام صدمات وارده بر جسم انسان) می‌گردد، خواه منجر به خسارت مالی شود یا نشود و ۲. شامل تمام تعدی‌هایی است که تأثیر مستقیم مالی ندارند و همچنین آثار غیرمالی ناشی از خسارت‌های مادی را در بر می‌گیرد؛ مانند درد و رنج (باسل، ۲۰۰۹، ۱۹).

۳. ادله قائلین به عدم امکان مطالبه خسارات معنوی شخص حقوقی و نقد آن

یکی از دلایلی که در خصوص عدم جبران خسارت معنوی اشخاص حقوقی مطرح شده، بر این فرض استوار است که برای شخص حقوقی چنین خسارتی در ذات خود وجود ندارد. در واقع، استدلال شده است که جبران این نوع خسارت نشان‌دهنده‌ی «پذیرش بسیار گسترده‌ای از مفهوم خسارت معنوی» و نیز تأیید «یک خسارت بی‌حد و مرز» است. ایراد مطروحه دیگر این است که خسارت معنوی برای اشخاص حقوقی خطر «انسان‌انگاری» شخص حقوقی را به همراه دارد، زیرا ماهیت این دو مفهوم به نظر کاملاً متضاد می‌رسد. به عبارتی طرفداران این دیدگاه بر این باورند که استدلال مبنی بر جبران خسارت معنوی برای شخصیت حقوقی، به دلیل تضاد این نوع خسارت با ماهیت شخصیت حقوقی، نوعی تعمیم ناموجه در حکم است (Carreras, 2016, 102). از طرف دیگر اشخاص حقوقی، موجوداتی کاملاً مصنوعی و بنابراین عاری از احساسات، نمی‌توانند قربانی خسارت اخلاقی شوند. به عبارت دیگر، از آنجایی که آنها موجوداتی انتزاعی و خیالی هستند، احساسات آنها نمی‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد. علاوه بر این، آنها قادر به تجربه لذت حاصل از غرامت اعطا شده برای جبران خسارت اخلاقی متحمل شده نیستند.

در این خصوص باید گفت اگرچه شخصیت حقوقی فاقد احساسات و عواطف است و نمی‌توان تصور کرد که از درد جسمانی رنج ببرد، اما این امر مانع از وجود اشکالی از خسارت معنوی نمی‌شود که ممکن است به شخصیت حقوقی وارد شود (العززی، ۲۰۲۱، ۱۲۵). برای مثال، لطمه به شهرت و اعتبار شخصیت حقوقی یا آسیب به برخی حقوق شخصی آن، از جمله مواردی است که می‌تواند تحت عنوان خسارت معنوی برای شخصیت حقوقی مورد توجه قرار گیرد و جبران زیان وارده را مطالبه کرد.

همچنین به نظر می‌رسد منشأ این دیدگاه، تعریف با گستره محدودی است که از خسارت معنوی به عمل آمده و آن ارجاع خسارت معنوی به آسیبی است که بر عواطف و احساسات فرد وارد می‌شود. در واقع، اگر خسارت معنوی صرفاً شامل آسیبی به احساسات باشد، تصور اینکه یک شخص حقوقی بتواند چنین جبرانی را دریافت کند، دشوار خواهد بود؛ در حالی که همچنان که گفته شد خسارت معنوی جنبه‌های گوناگون دارد و یک قسمت آن آسیب به عواطف و احساسات است. بر این اساس محدود کردن تعریف خسارت معنوی صرفاً به آسیب‌های مرتبط با احساسات در شرایط کنونی منسوخ شده و با مقتضیات جامعه‌ی معاصر در تضاد قرار دارد. زیرا مواردی نظیر حق بر نام، تصویر، حیثیت، و آبرو نیز از مصادیق خسارت معنوی به حساب می‌آیند.

ایراد دیگری که در خصوص عدم امکان ورود خسارت معنوی به شخص حقوقی مورد اشاره قرار گرفته است ناسازگاری ماهیت شخصیت حقوقی با هدف جبران خسارت معنوی می‌باشد. بر اساس این دیدگاه برخی نویسندگان استدلال می‌کنند که مفهوم شخص حقوقی با هدف جبران خسارت معنوی همخوانی ندارد. در واقع، هدف جبران خسارت معنوی، پایان دادن به رنج زیان

دیده و ارائه‌ی یک «رضایت جایگزین» است که موجب بازگرداندن فرد به وضعیت احساسی پیشین خود می‌شود. اما از آنجا که اشخاص حقوقی فاقد احساسات هستند، نمی‌توانند چنین جبرانی را درک کنند.

در این مورد نیز باید گفت که اگرچه جبران خسارت به صورت غیرنقدی کاملاً با روح مسئولیت مدنی، یعنی بازگرداندن زیان دیده به وضعیت اولیه‌اش، مطابقت دارد. اما در مواردی جبران خسارت از این طریق امکان پذیر نیست و همچنان که میان نظام‌های حقوقی امر مسلمی به حساب می‌آید دادگاه حکم به جبران خسارت پولی می‌دهد و از این طریق خسارات زیان دیده را جبران می‌کنند. این مشکل در مورد خسارت معنوی بیشتر مشهود است؛ زیرا نمی‌توان لطمه‌ی وارده به شخصیت فرد را به صورت دقیق و کامل جبران کرد. در واقع، نمی‌توان آسیبی که به یکی از جنبه‌های شخصیتی زیان دیده وارد شده است را کاملاً از بین برد. بنابراین، در صورت عدم امکان بازگرداندن زیان دیده به وضعیت اولیه، راهکار جایگزین، پرداخت خسارت مالی برای جبران صدمه‌ی وارده است، که بر پایه‌ی اصل جبران کامل، معادل ارزش خسارت وارده خواهد بود (Brouillou, 2014, 18). در کنار این موارد به نظر می‌رسد ریشه اختلاف نظر در خصوص قابلیت مطالبه خسارت توسط شخص حقوقی و یا عدم امکان این امر ریشه در اختلاف نظر قدیمی در مورد ماهیت آن دارد کسانی که اعتقاد به ماهیت «فرضی و استعاری» شخص حقوقی دارند بالتبع ورود خسارت معنوی بر آن را منکر می‌شوند. بر عکس کسانی که ماهیت شخص حقوقی را مبتنی بر «واقعیت» می‌دانند که رویکرد حقوق مدرن و نیز رویه قضایی فرانسه از سال ۱۹۵۴ به بعد همین امر است (Carreras, 2016, 94) نیز بر این امر تکیه دارد ورود خسارت به شخص حقوقی را می‌پذیرند (العیاش، ۲۰۲۱، ۸۵).

از سوی دیگر، پذیرش استقلال قانونی شخصیت حقوقی مستلزم آن است که تمام حقوق غیرمالی که این استقلال را تضمین و تأیید می‌کند، به رسمیت شناخته شود، مشروط بر اینکه این حقوق محدود به اشخاص حقیقی نباشد و نیازی به توسل به دعوای مسئولیت نداشته باشد. بنابراین، حمایت از حقوق غیرمالی نباید صرفاً مختص اشخاص حقیقی باشد، بلکه اشخاص حقوقی نیز باید بتوانند برای حفظ حقوق غیرمالی خود تلاش کنند، مانند حق حفاظت از نام تجاری، حق دفاع از شهرت و اعتبار خود، و همچنین حق محافظت در برابر تعرض به این حقوق.

تساوی حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی می‌تواند خود مویدی باشد در پذیرش مطالبه زیان معنوی توسط شخص حقوقی. این اصل در حقوق ایران در ماده ۵۸۸ قانون تجارت به رسمیت شناخته شده است.^۱ در حقوق کشور‌های مختلف از جمله لهستان هم مانند ایران مقرر شده است مطابق این ماده: «مقررات مربوط به حمایت از حقوق شخصی اشخاص حقیقی، به همین ترتیب در مورد اشخاص حقوقی نیز اعمال می‌شود». دیوان عالی لهستان نیز بر همین مبنا و به استناد این ماده حکم می‌دهد^۲ که مقررات ماده ۴۸ قانون مدنی (جبران خسارت در صورت نقض حقوق شخصی) به‌طور مشابه برای اشخاص حقوقی اعمال می‌شود (ماده ۴۳ قانون مدنی)، که

^۱ ماده ۵۸۸ قانون تجارت ایران بیان می‌کند که: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت - بنوت و امثال ذالک».

این امر توجیه‌کننده اعطای خسارت برای آسیب غیرمالی وارد شده به یک شخص حقوقی است (Karner, 2024, 520). چنین مقرره‌ای در ماده ۵۳ قانون مدنی مصر نیز بیان شده است.

در نتیجه می‌توان گفت جبران خسارات معنوی، تضمینی برای ثبات جوامع از منظر اخلاقی و حقوقی است، زیرا افراد مشتاقند از تضعیف اعتبار و ارزش‌های خود محافظت کنند. این امر منجر به حفظ بافت اجتماعی حاکم بر اخلاق و قواعد عدالت، به دور از آسیبی که ممکن است از حمله به ارزش‌ها و شهرت افراد ناشی شود، می‌شود (Almaharmeh, 2022, 185).

۴. جبران خسارت معنوی شخص حقوقی در نظام های حقوقی

پس از ذکر نظریات مختلف در مطالب گذشته، در این بخش به موضع نظام های حقوقی در خصوص مطالبه ضرر و زیان معنوی شخص حقوقی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

۴.۱. حقوق مصر

در حقوق مصر همچنان که بیان شد در ماده ۵۳ قانون مدنی مصر مقرر شده است که یک شخص حقوقی هم مانند شخص حقیقی از تمام حقوق مالی و غیرمالی برخوردار می‌باشد به استثنای حقوقی که با ماهیت شخص حقوقی در تضاد است. در همین راستا ماده ۲۲۲ قانون مدنی مصر در مقام به رسمیت شناختن خسارت معنوی بیان می‌کند که: «گرامت همچنین شامل خسارت معنوی می‌شود...». این ماده بین اشخاص حقیقی یا حقوقی در حق دریافت غرامت خسارت معنوی تفاوتی قائل نشده بود. بلکه عبارت آن کلی بود و هم برای اشخاص حقیقی و هم برای اشخاص حقوقی اعمال می‌باشد و به تبع آنچه رویه قضایی فرانسه مقرر کرده است، برخی از حقوقدانان مصری بر این باورند که: «ماهیت شخصیت حقوقی مانع از شناسایی حقوق شخصی مرتبط با موجودیت معنوی آن نیست، چرا که شخصیت حقوقی نیز حق برخورداری از شهرت و حق حفاظت از نام خود را دارد» (العززی، ۲۰۲۱، ۱۳۸).

برخی دیگر در تایید این امر تأکید دارند که شخصیت حقوقی نیز می‌تواند دچار خسارت معنوی شود. این دیدگاه بر این اساس است که حقوق شخصیت حقوقی نباید صرفاً به خسارت مادی یا صدمه‌ای که به منافع مالی آن وارد می‌شود، محدود گردد، بلکه شخصیت حقوقی دارای یک حیثیت معنوی است که ممکن است متحمل خسارت معنوی شود. این خسارت می‌تواند شامل لطمه به شهرت یا موارد مرتبط با اعتبار باشد، مانند مطالبه خسارت معنوی توسط اداره پست که به دلیل اتهام نادرست یکی از شعب آن به سرقت، دچار آسیب حیثیتی شده است. بر همین اساس، اتحادیه‌های حرفه‌ای، شرکت‌ها و انجمن‌هایی که دارای شخصیت معنوی هستند، می‌توانند برای جبران خسارت معنوی ناشی از آسیب به اعتبار و حیثیت خود، مطالبه خسارت کنند (العززی، ۲۰۲۱، ۱۳۸).

با وجود آنکه نظریات دکترین حقوقی در مصر مبتنی بر عموم و اطلاق برخی مواد قانونی مدنی بر پذیرش مطالبه خسارت معنوی توسط شخص حقوقی می‌باشد؛ اما در مقابل رویکرد دیوان عالی مصر غالباً در تضاد با این دیدگاه‌ها بوده و در اکثر آرا صادره در این حوزه اعتقاد بر عدم امکان مطالبه خسارت معنوی توسط شخص حقوقی وجود دارد. در ادامه به بررسی برخی آرای دیوان عالی مصر در پرونده‌های مختلف پرداخته می‌شود:

در حکمی که دیوان عالی مصر در تاریخ ۲۰۲۱/۶/۲۴ صادر کرده است، مقرر شده که

«خسارت معنوی، نوعی خسارت است که به اموال شخص وارد نمی‌شود و می‌توان آن را به چند نوع تقسیم کرد:

۱- خسارت معنوی که به جسم فرد وارد می‌شود و ناشی از درد و رنج ناشی از شرایط خاص است .

۲- خسارت معنوی که به حیثیت، آبرو و اعتبار فرد لطمه می‌زند .

۳- خسارت معنوی که به احساسات و عواطف فرد آسیب می‌رساند .

۴- خسارت معنوی که صرفاً ناشی از تعرض به یک حق مسلم شخص است .

این حالات همگی تنها زمانی قابل تصور هستند که شخص زیان‌دیده، یک شخص حقیقی باشد. اما شخصیت حقوقی از چنین آسیبهایی مصون است»^۳.

در این دعوا یک شرکت با مسئولیت محدود فعال در حوزه خدمات صنعتی از بانکی درخواست انتقال مبلغ ۳۱،۱۲۹،۳۹ دلار آمریکا به حساب شرکت طرف قراردادش را داشت. بانک به جای انجام این انتقال، مبلغ ۲۳،۳۳۹ پوند را به عنوان وثیقه اداری به نفع سازمان مالیات فروش نگه داشت. پس از بررسی، مشخص شد که این وثیقه مربوط به یک شرکت دیگر بوده است .

شرکت خواهان در دادگاه بدوی، خواهان دریافت ۵۰۰،۰۰۰ پوند غرامت برای خسارات مادی ناشی از تأخیر در دریافت و تحویل کالا به مشتریان و خسارات معنوی مرتبط با آسیب به اعتبار تجاری‌اش شد. دادگاه بدوی، پس از بررسی کارشناسی، بانک را به پرداخت ۳۰۰،۰۰۰ پوند بابت خسارت معنوی محکوم کرد. این رای در دادگاه تجدید نظر قاهره نیز تأیید می‌شود. سپس بانک (خواننده بدوی و فرجام خواه) با استناد به این‌که شخصیت حقوقی نمی‌تواند متحمل خسارت معنوی شود، به دیوان عالی مصر فرجام‌خواهی کرد. دیوان عالی مصر حکم تجدیدنظر را لغو کرده و درخواست خسارت معنوی را رد کرد، ضمن اینکه شرکت خواننده را به پرداخت هزینه‌های قضایی و حق‌الوکاله محکوم نمود. در نهایت، دادگاه تأیید کرد که خسارت معنوی برای شخصیت حقوقی قابل تصور نیست و بنابراین، پرداخت غرامت ضروری نخواهد بود.

همچنین در حکمی که در تاریخ ۲۰۲۱/۵/۱۹ دیوان عالی مصر حکم تجدیدنظر را به صورت جزئی نقض کرد و الزام به پرداخت خسارت معنوی را رد نمود و در ضمن، شرکت خواننده را به پرداخت هزینه‌های قضایی و مبلغ ۲۰۰ پوند بابت حق‌الوکاله محکوم کرد و پرونده را به دادگاه تجدیدنظر قاهره برای بررسی مجدد ارجاع داد.^۴

در حکم دیگری که در تاریخ ۲۰۲۱/۱۱/۱۸ صادر شد، دادگاه اعلام کرد که با توجه به ماده ۱۲ قانون شماره ۱۲۱ سال ۲۰۱۸ مربوط به دادگاه‌های اقتصادی، خسارت مادی بانک از بابت عدم استرداد مبلغ ۱۰۷۶۰۰ دلار آمریکایی قابل جبران است، اما خسارت معنوی

^۳ الدوائر التجارية، الطعن رقم (۱۳۴۴۴) لسنة ۹۱ القضائية، جلسة ۲۰۲۱/۶/۲. <https://www.cc.gov.eg/>

^۴ الدوائر المدنية، الطعن رقم (۱۲۳۰۹) لسنة ۹۱ القضائية، جلسة ۲۰۲۱/۵/۱۹.

ناشی از لطمه به شهرت بانک به دلیل انتشار اخبار در مطبوعات، قابل مطالبه نیست؛ زیرا خسارت معنوی فقط شامل آسیب‌های مرتبط با حیثیت، اعتبار، احساسات و عواطف اشخاص حقیقی می‌شود.^۵

در همین راستا دیوان عالی مصر در رای شماره ۳۸۳۵ در تاریخ ۲۰۱۸/۱۲/۰۸ با این بیان که شخصیت حقوقی فاقد احساسات و عواطف است، نمی‌توان برای آن خسارت معنوی را تصور کرد. حکم قبلی دادگاه تالی را در بخش خسارت معنوی نقض کرد و دادخواست را در این مورد رد نمود.^۶ در نتیجه، دیوان عالی مصر درخواست جبران خسارت معنوی را رد کرده و حکم به پرداخت خسارت مادی صادر نمود.

رای شماره ۵۲۰۹ دیوان عالی کشور مصر، صادره در تاریخ ۲۰۱۸/۰۱/۲۲، بار دیگر بر تثبیت رویکردهای قضایی پیشین تأکید کرده است. متن حکم به‌وضوح بیان می‌کند که «خسارت معنوی»، که ناشی از آسیب به آبرو، اعتبار، شهرت یا احساسات فرد است، ماهیتی دارد که تنها به اشخاص حقیقی مربوط می‌شود. بنابراین، شخص حقوقی نمی‌تواند تحت این مفهوم متحمل خسارت شود، زیرا این نوع ضرر مستقیماً با ویژگی‌های انسانی در ارتباط است.

بر اساس همین دیدگاه، دادگاه صراحتاً اعلام می‌کند که اشخاص حقوقی از شمول خسارت معنوی خارج هستند و نمی‌توان تصور کرد که چنین خسارتی متوجه آنان شود. این موضع قضایی به وضوح در متن رأی منعکس شده است، جایی که دادگاه تأکید می‌کند:

«در مورد خسارت معنوی مورد ادعا در خصوص آسیب به اعتبار حرفه‌ای و تجاری شرکت، اگرچه خسارت معنوی معمولاً با آبرو، اعتبار، شهرت یا احساسات فرد مرتبط است، اما این نوع ضرر اساساً به اشخاص حقیقی تعلق دارد. بنابراین، نمی‌توان تصور کرد که چنین خسارتی متوجه یک شخص حقوقی شود، زیرا این مفهوم صرفاً مختص اشخاص حقیقی است.»؛ با این حال، دادگاه در ادامه این موضع را تعدیل کرده و بیان می‌کند که اگر شخص حقوقی اثبات کند که آسیب وارده به اعتبار تجاری آن تأثیر مستقیمی بر حجم معاملات و فعالیت‌های اقتصادی‌اش داشته و منجر به کاهش تجارت و فرصت‌های تجاری شده است، در چنین صورتی، این خسارت می‌تواند به‌عنوان خسارت مادی تلقی شود، نه خسارت معنوی. در بخش دیگر رأی، دیوان عالی کشور به‌صراحت تأیید می‌کند که ممکن است اعتبار تجاری یک شرکت تحت تأثیر قرار گیرد، اما تنها در صورتی که این موضوع اثبات شود که به‌طور مستقیم باعث خسارت مالی شده است، دادگاه می‌تواند حکم به جبران خسارت دهد. دادگاه در این رابطه تصریح می‌کند: «اگر شخص حقوقی نشان دهد که آسیب به اعتبارش موجب اکراه طرف‌های تجاری از همکاری با آن شده و در نهایت تأثیر منفی بر حجم معاملات و درآمدهای آن داشته است، در چنین حالتی می‌توان خسارت وارده را به‌عنوان خسارت مادی قلمداد کرد، اما نه به‌عنوان خسارت معنوی مستقل.»

این موضع نشان می‌دهد که دیوان عالی کشور مصر، اگرچه تأثیر آسیب به اعتبار اشخاص حقوقی را می‌پذیرد، اما حق دریافت غرامت برای خسارت معنوی مستقل توسط اشخاص حقوقی را رد می‌کند. در نتیجه، خسارت معنوی برای اشخاص حقوقی تنها زمانی قابل جبران است که با ضرر مادی قابل اثبات همراه باشد. این حکم رویکرد قضایی مصر را در تفکیک خسارت معنوی و

^۵ الدوائر التجارية، الطعن رقم (۶۱۶۱) لسنة ۸۵ القضائية، جلسة ۲۰۲۱/۱۱/۸.

^۶ الدوائر التجارية، الطعن رقم (۳۸۳۵) لسنة ۸۸ القضائية، جلسة ۲۰۱۸/۱۲/۰۸.

مادی برای اشخاص حقوقی تثبیت کرده و بر نقش اثبات ضرر مالی مستقیم تأکید می‌کند (Kassem, 2020, 4). این رای در واقع تأییدی بر رویه قضایی پیشین است. در رأی قبلی این دادگاه، که در تاریخ ۲۶ دسامبر ۲۰۱۳ صادر شده بود، و تقریباً با همان عباراتی که در حکم سال ۲۰۱۸ آمده، دادگاه مقرر می‌دارد که: «اصل بر این است که خسارت معنوی، آن نوع خسارتی است که بر دارایی شخص تأثیر نمی‌گذارد و می‌توان آن را به شرایط خاصی نسبت داد.»^۷

با وجود این که تا سال ۲۰۱۸ دیوان عالی مصر رویکردی محکم در خصوص عدم مطالبه خسارت معنوی در خصوص شخص حقوقی دارد اما رفته رفته این دیدگاه در دیوان عالی این کشور تعدیل می‌شود به طوری که پس از حکم ۲۲ ژانویه ۲۰۱۸، دو رأی جدید از شعبه تجاری و اقتصادی دیوان عالی کشور صادر شد که مسئله جبران خسارت معنوی برای اشخاص حقوقی را مورد بررسی قرار دادند. هر دو رأی، برخلاف حکم ۲۲/۰۱/۲۰۱۸، رویکردی متفاوت اتخاذ کردند و دقیقاً موضعی مخالف آرای سابق صادر شده را تأیید کردند.

در پرونده شماره ۱۷۶۸۹ س ۸۹ ق مورخ ۲۰۲۰/۰۳/۲۰؛ یک شرکت پیمانکاری از یک شرکت دیگر شکایت کرده و خواستار جبران خسارات مادی و معنوی به مبلغ ۱۰ میلیون پوند شده بود. شرکت خوانده نیز در دعوای فرعی، نه تنها رد دعوای اصلی را خواستار شد، بلکه تقاضای ۳۸ میلیون پوند به عنوان مطالبات و همچنین جبران خسارت مادی و معنوی را مطرح کرد. دادگاه بدوی دعوای اصلی شرکت پیمانکاری را رد کرد اما در دعوای فرعی، شرکت خوانده را مستحق دریافت مبلغ مورد مطالبه و یک میلیون پوند دیگر به عنوان غرامت خسارات مادی و معنوی دانست. شرکت پیمانکاری نسبت به این حکم اعتراض کرده و درخواست تجدیدنظر داد. دیوان عالی کشور اما اعتراض را رد کرد و حکم دادگاه بدوی را صحیح دانست. دادگاه در توضیح این رأی تصریح می‌کند که: جبران خسارت شامل هم خسارات مادی و هم خسارات معنوی می‌شود. همچنین اشخاص حقوقی نیز ممکن است دچار خسارت معنوی شوند و حق جبران این خسارت را دارند.

همچنین در حکم شماره ۶۹۰۳ س ۸۸ ق، صادره در تاریخ ۲۰۲۰/۰۶/۰۹ دیوان عالی مصر حکم به جبران خسارات وارده به شرکت ناشی از سوءاستفاده غیرقانونی از نام و اموال آن و درج آنها در اسنادش داد. در این حکم دادگاه اصل جبران کامل را اعمال کرد و تمام خسارات وارده به شرکت را بدون تفکیک بین خسارات مادی و معنوی جبران نمود. اگرچه حکم به جبران «خسارات» وارده به شرکت بدون تصریح و مشخص کردن این خسارات، چه مادی و چه معنوی، صادر شده است، اما این واقعیت با اوضاع و احوال و خواسته تصریح شده فرجام خواه به وضوح مشهود است (Kassem, 2020, 4-5).

همچنان که مشخص است رویکرد حقوق مصر علی‌الخصوص رویه قضایی این کشور در غیاب نص صریح در قوانین موضوعه آن دارای تشکیک می‌باشد به طوری که تا سال ۲۰۱۸ خسارت معنوی شخص حقوقی را نپذیرفته اما در سالیان بعد رویکردی تعدیل شده را در پیش گرفته و در مواردی به پذیرش مطالبه چنین خسارتی حکم داده اند.

۴.۲. حقوق فرانسه

^۷ در این زمینه این آرا قابل ذکر هستند: نقض مدنی الطعن رقم ۴۵۷۵ س ۸۴ ق، جلسه - ۲۰۱۷/۴/۲۷ و الطعن رقم ۷۲۱۰ س ۸۶ ق جلسه ۱/۱۰/۲۰۱۹.

همچنان که بیان شد در خصوص امکان جبران خسارت ناشی از ورود ضرر به شخص حقوقی اختلاف نظر هایی وجود دارد. برخی از نویسندگان ادعا می کنند که ابزارهای حمایت از اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی باید در یک سطح باشد. برخی دیگر اشاره می کنند که جبران خسارت معنوی فقط در مورد درد و رنج اعطا می شود و در نتیجه، اعطای غرامت به اشخاص حقوقی، امکان پذیر نمی باشد (Wyszyńska, 2024, 49). این مسئله در میان پژوهشگران حقوق مسئولیت مدنی فرانسه نیز محل نزاع بوده است که آیا اشخاص حقوقی (personnes morales) می توانند دچار خسارت غیرمالی (dommage moral) شوند؟ بیشتر پژوهشگران امروزی چنین امکانی را پذیرفته اند. با این قید که، احساسات سازمان های غیرانتفاعی یا شرکت های تجاری را نمی توان جریحه دار کرد، زیرا فقط اشخاص حقیقی (و اصولاً موجودات زنده) احساس دارند و رنج را تجربه می کنند. با این حال موضع دیوان عالی فرانسه در مورد حکم به جبران خسارت معنوی به شخص حقوقی موضعی کاملاً متفاوت با موضع دیوان عالی مصر می باشد.

حکم به پذیرش امر مزبور در آرای مختلفی از دیوان عالی فرانسه دیده می شود. مانند رای دیوان عالی کشور فرانسه در نقض شرط عدم رقابت،^۸ در این پرونده یک زوج حدود سی سال در صنعت پیتزا فعالیت داشتند. آنها سهام شرکت خود به نام «لا پیتزیریا» را به شرکت دیگری به نام «جافا» فروختند و برخلاف بند عدم رقابت که در توافقنامه درج شده بود، فروشندگان شرکتی به نام «رین ویکتوریا» ایجاد کردند و در همان منطقه پیتزا فروختند. خریداران برای جبران خسارت، تقاضای غرامت بابت زیان اقتصادی و آسیب غیرمالی کردند. غرامت برای زیان اقتصادی اعطا شد (۶۰ هزار یورو پرداخت شد، در حالی که شاکی درخواست ۷۰۰ هزار یورو کرده بود)، اما در مرحله تجدیدنظر، دادگاه استیناف خسارت غیرمالی را رد کرد و اعلام نمود که شرکت ها نمی توانند چنین خسارتی ببینند. دیوان عالی شعبه تجاری این حکم را نقض کرد و با استناد به مواد مهم قانون مدنی که مسئولیت قراردادی (ماده ۱۱۴۷) و مسئولیت مدنی (مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳) را تأیید می کنند، صراحتاً اعلام نمود که اشخاص حقوقی نیز ممکن است خسارت غیرمالی متحمل شوند، اما هیچ استدلال یا راهنمایی اضافی ارائه نداد (Moréteau, 2012, 248).

مضاف بر این از نظر تاریخی نیز، رویه قضایی فرانسه، به ویژه در شعبه کیفری دیوان عالی کشور، به سرعت زیان معنوی اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته است. اگرچه در ابتدا اصطلاح «زیان معنوی» هنوز به کار برده نشده بود، اما جبران خسارت وارده به اشخاص حقوقی ناشی از تعرض به حقوق شخصیتی آنان، از جمله تعرض به حق نام، موضوع بحث قرار گرفته بود. در ادامه، اصطلاح «زیان معنوی» به طور صریح معرفی شد. بنابراین، شعبه کیفری دیوان عالی کشور به صراحت طی دو رأی اصولی اعلام کرد که دعوای مدنی برای همه ی کسانی که به طور شخصی از خسارت، چه مادی و چه معنوی، ناشی از واقعه متضرر شده اند، بدون استثنای اشخاص حقوقی، قابل طرح است.^۹ از سوی دیگر، شعبه تجاری، با عبارتی مختصرتر، حکمی رایج صادر کرد که بر اساس

^۸ D 2012, 2285, note B Dondero; JCP 2012, no 1224, observations C Bloch.

^۹ در پرونده دیوان عالی فرانسه (شعبه کیفری) - ۱۲ ژوئن ۱۹۵۶ (شماره پرونده: BullCrim. n°461) یک شرکت فرانسوی سازنده پیلانو از روزنامه های به دلیل نشر اکاذیب شکایت کرد. روزنامه به اشتباه ادعا کرده بود پیلانوهای این شرکت ساخت کره است. دادگاه با استناد به نقض "حیثیت و اعتبار تجاری" شرکت، این عمل را موجب ضرر معنوی دانست و رأی به پرداخت غرامت داد. این رأی نخستین شناسایی صریح حق جبران خسارت غیرمادی برای اشخاص حقوقی در فرانسه بود.

آن اشخاص حقوقی می‌توانند قربانی زبانی باشند «ولو معنوی باشد». بنابراین، روشن است که پذیرش زیان معنوی اشخاص حقوقی مدت‌هاست که در حقوق موضوعه تثبیت شده است (Brouillou, 2014, 11).

دیوان عالی فرانسه در اقدامی فراتر از اشخاص حقوقی عمومی را نیز مستحق جبران خسارت معنوی می‌داند. رأی دیوان عالی فرانسه در پرونده 14 مارس 2007، شماره 06-81.010 به موضوع جبران خسارت شهر کن ناشی از فساد شهردار آن می‌پردازد. در این رأی، دادگاه اعلام کرده که فساد شهردار شهر کن، که تحت هدایت متهمان انجام شده، ضربه جدی به شهرت این شهر وارد کرده است. شهر کن، به دلیل جشنواره بین‌المللی فیلم و سایر رویدادهای جهانی‌اش، اعتبار زیادی دارد. دادگاه تأکید کرد که این فساد، آسیب مستقیم به شهرت شهر وارد کرده و در نتیجه، خسارت معنوی قابل جبران تلقی می‌شود.¹⁰ همین رویکرد در حکم دیگر دیوان عالی وجود دارد که بر اساس آن اعتراض فرجام خواه را در خصوص عدم امکان مطالبه غرامت معنوی توسط اشخاص حقوقی عمومی رد کرده و رأی دادگاه تجدیدنظر لیون، صادره در 31 مارس 2011 را تأیید کرد. بر اساس این حکم، متهمان موظف شدند 511 یورو به مرکز بیمارستانی Ambert به‌عنوان جبران خسارت معنوی پرداخت کنند. این خسارت ناشی از انتشار تصویر بیمارستان در یک مقاله مطبوعاتی بود که توسط چهار متهم منتشر شده بود.¹¹

در مقابل برخی با انتقاد بر آرای دیوان عالی فرانسه بر این باورند که حکم کلی بر جبران خسارت برای اشخاص حقوقی خلاف عقل سلیم است و آن را ناشی از انسان‌انگاری شخص حقوقی می‌دانند. از دیدگاه آنان، پذیرش این ایده که آسیب به تصویر، نام یا اعتبار یک شرکت یا انجمن، عدم رعایت تعهدات مربوط به رقابت، یا اقدامات ناعادلانه می‌تواند به‌عنوان خسارت معنوی تلقی شود، قابل پذیرش نیست و مفهوم خسارت معنوی برای اشخاص حقوقی مناسب به نظر نمی‌رسد؛ لذا با توجه به رویکرد مطروحه، منتقدان آرای دیوان عالی فرانسه بیان می‌دارند که دیدگاهشان نباید منجر به انکار واقعیت برخی از خساراتی که اشخاص حقوقی ممکن است متحمل شوند، گردد. (Broche, 2013, 1-6).

به نظر می‌رسد عموم و اطلاق ماده 1382 قانون مدنی فرانسه نیز می‌تواند موید پذیرش جبران خسارت برای شخص حقوقی در کنار شخص حقیقی باشد زیرا قیدی در خصوص انحصار در این ماده وجود ندارد. همچنین در ماده 1235 لایحه مسئولیت مدنی فرانسه که توسط وزارت دادگستری فرانسه در مارس 2017 تهیه شده است، تحت عنوان: «خسارت قابل جبران» این متن را بیان می‌کند که: «جبران خسارت شامل تمام خسارات اثبات‌شده ناشی از حمله به یک منفعت مشروع، چه مالی و چه غیرمالی، می‌شود». (Do, V. D, 2018, 134).

همچنین در پرونده دادگاه عالی پاریس - 4 ژوئیه 1984 (JurisData n°1984-000483) شرکتی به دلیل استفاده غیرمجاز از نام تجاری‌اش اقامه دعوا کرد. دادگاه بدون نیاز به اثبات ضرر مالی، صرفاً "اختلال در شناسایی برند" را ضرر معنوی محض دانست و متخلف را به پرداخت غرامت محکوم کرد.

¹⁰ Cour de cassation, criminelle, Chambre criminelle, 14 mars 2007, 06-81.010, Publié au bulletin

¹¹ Cour de cassation, criminelle, Chambre criminelle, 24 octobre 2012, 11-85.923, Inédit

لازم به ذکر است که در رای دیگری دیوان عالی فرانسه رای دادگاه تجدیدنظر را در خصوص این که شرکت ها نمی توانند خسارت معنوی مطالبه کنند را نقض کرده و آن را مخالف ماده ۱۳۸۲ قلمداد می کند.^{۱۲} مشابه چنین استدلالی در حکم صادره دیوان عالی فرانسه به تاریخ ۱۸/می/۲۰۱۶ در خصوص امکان مطالبه خسارت معنوی شخص حقوقی مشهود می باشد. دیوان عالی با رد استدلال دادگاه تجدیدنظر در خصوص این که: "شخص حقوقی نمی تواند زیان معنوی داشته باشد" بیان می کند که رویه قضایی فرانسه زیان معنوی اشخاص حقوقی (مانند آسیب به اعتبار تجاری) را به رسمیت می شناسد؛ لذا این امر نقض مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ ق.مدنی تلقی می شود.^{۱۳}

بر اساس آنچه بیان شد به نظر می رسد رویکرد حقوق فرانسه برخلاف مصر به شکلی است که مطالبه خسارت معنوی وارد بر شخص حقوقی در رویه قضایی این کشور مورد پذیرش قرار گرفته است.

۴.۳. فقه اسلام

۴.۳.۱. قاعده لاضرر

حقوق ایران که مبتنی بر فقه امامیه بنا نهاده شده نیز بیگانه با خسارت معنوی نیست. می توان گفت یکی از کاربردی ترین قواعدی که در فقه امامیه وجود دارد و در حقوق و مقررات مربوطه نیز بیشترین سهم را ایفا می کند. قاعده لاضرر و لاضرار می باشد. این قاعده را می توان به نوعی در مقام بیان خسارت اعم از مادی و معنوی قلمداد کرد و به استناد آن مشروعیت مطالبه خسارت معنوی را در بدو امر ثابت کرد. مرحوم ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از حسن صیقل و او از ابو عبیده حذا نقل کرده است که امام باقر (ع) فرمود: «سمره بن جندب درخت خرمایی در باغ فردی داشت زمانی که برای سرکشی درخت خویش می رفت به اهل خانواده آن مرد نگاه میکرد و آن مرد از این کار ناراحت بود. بنابراین شکایت محضر رسول خدا (ص) برد و از آن حضرت خواست تا سمره را احضار نماید و از او بخواهد تا هر وقت به سوی درخت خویش میرود اجازه بگیرد تا خانواده او بتوانند لباس خویش را بر تن کنند. رسول خدا (ص) فردی را سراغ سمره فرستاد و به او فرمود: ای سمره مسئله چیست که فلانی از تو شکایت دارد و میگوید بدون اجازه به خانه اش وارد میشود و همسر او را به شکلی که دوست ندارد مبینی؟ ای سمره وقتی وارد خانه او می شوی اجازه بگیر. آنگاه رسول خدا (ص) به او فرمود دوست داری که در مقابل درخت خرمایت دارای درختی در بهشت باشی؟ سمره گفت نه رسول خدا (ص) فرمود: سه درخت چطور؟ سمره گفت نه رسول خدا (ص) فرمود: ای سمره مبینم که تو قصد ضرر زدن داری ای فلانی برو آن درخت را بکن و مقابل او بینداز» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ق، ۱۷/۳۴۱) این روایت به صورت آشکار به خسارت معنوی اشاره دارد؛ زیرا سمره در زمان سرکشی به اهل خانه نگاه می کرد (نقیبی، ۱۳۸۶، ۱۹۱). همچنان که برخی فقهای معاصر معتقدند: «حدیث لا ضرر نه تنها ضررهای مالی و جانی را شامل می شود، بلکه، ضررهای معنوی را نیز شامل می شود» (مرعشی، ۱۳۷۶، ۱۶۷/۲).

¹² Cour de cassation, civile, Chambre commerciale, 15 mai 2012, 11-10.278, Publié au bulletin

¹³ Cour de cassation, civile, Chambre commerciale, 18 mai 2016, 15-12.927, Inédit

لذا بر اساس قاعده «لاضرر»، هر نوع زیان وارد شده به افراد—اعم از خسارت‌های مادی یا معنوی—باید جبران شود و شخص زیان‌زننده مسئول پرداخت آن است. این قاعده به‌تنهایی می‌تواند مبنای اثبات اصل جبران خسارت باشد. برای اثبات جبران مالی، باید ارتکاز عقلایی که جبران را به‌صورت مالی می‌پذیرد، به این قاعده ضمیمه گردد.

مورد مشهور قاعده لاضرر، نه‌تنها مؤید بلکه دلیلی روشن بر امکان جبران خسارت معنوی نیز هست؛ چنان‌که در روایت مربوط به سمره بن جندب آمده است: ورود بی‌اجازه و مکرر او به خانه انصاری موجب خدشه به حیثیت و آبروی صاحب‌خانه می‌شد، و همین امر نشان‌دهنده ضرورت جبران چنین آسیبی است (حدادی، ۱۳۹۶، ۳۵). لذا از شأن نزول قاعده لاضرر و دستور پیامبر اکرم (ص) درباره قلع درخت، می‌توان دریافت که هدف از آن، از بین بردن منبع ضرر بوده که خود نوعی جبران خسارت معنوی محسوب می‌شود (حسنوند، ۱۳۹۹، ۱۶).

۴.۳.۲. بنای عقلا

عقلا بنا و سیره قطعی دارند که همه خسارات قابلیت جبران دارند و در این سیره قطعی شارع مقدس مخالفتی نکرده اند یا حداقل مخالفت شارع احراز نشده است.

۴.۳.۳. روایات شیعه و اهل سنت

سند دیگری که در خصوص اثبات خسارت معنوی قابل اثبات می‌باشد در خصوص ماجرای قتل عام قبیله بنی جذیمه توسط خالد بن ولید می‌باشد با این توضیح که پیغمبر اسلام—صلی الله علیه و آله—بعد از فتح مکه و پیش از جنگ حنین، خالد بن ولید را با سیصد نفر از مهاجرین و انصار، در ماه شوال به سوی قبیله «بنی جذیمه» فرستاد تا آنها را به سوی اسلام دعوت کند، نه اینکه با آنها وارد جنگ شود. اما مبتنی بر آنچه در تاریخ ذکر شده خالد بن ولید اقدام به کشتار این قبیله می‌کند و خبر این اقدام به پیامبر می‌رسد. پیامبر به قبله روی نمود و می‌فرماید: «خداوند! از کاری که خالد بن ولید کرده، نزد تو بیزاری می‌جویم.» سپس مقداری طلا و کالا برای پیامبر آوردند. وی به علی فرمود: نزد جزیمه از بنی مطلق برو و آنان را با پرداخت این طلا و کالا راضی کن تا عذر رفتاری باشد که خالد با آنان کرده است. علی نزد آنان رفت و چون به ایشان رسید در میانشان حکم خدا را جاری کرد. هنگامی که نزد رسول خدا بازگشت پیامبر فرمود: «آگاهم کن که چه کردی گفت: «ای رسول خدا! برای هر خون ریخته شده دیه و برای هر جنین سقط شده غلام و کنیزی کوچک و برای هر مال تلف شده جبران مالی پرداختم. از آن چه باقی ماند برای آبخوری سگانشان و ریسمان چوپانانشان هم تاوان پرداختم باز چیزی باقی ماند. از آن، به جبران هرآسی که در دل زنان و کودکانشان افتاده مبلغی پرداختم از باقیمانده به ازای هر چه خود دانند و خود ندانند تاوان دادم باز هم از آن چه ماند به ایشان پرداختم تا از تو ای رسول خدا راضی شوند. رسول خدا فرمود: ای علی به آنان آن قدر پرداختی تا از من راضی شوند. ای علی خدا از تو راضی باشد نسبت تو با من همانند هارون است با موسی جز آن که پس از من پیامبری نخواهد بود.» (کوران، ۱۴۰۲، ۳۲۳).

مبتنی بر ماجرای مزبور می‌توان گفت جبران خسارت ترس و هراس در دل مردم مشروعیت داشته و در چنین مواردی نیز بر عهده بیت المال خواهد بود و قاعده فقهی به حساب می‌آید.

روایات دیگری در منابع اهل سنت در خصوص پیامبر قابل اشاره می‌باشد که متضمن مشروعیت خسارت معنوی و پرداخت خسارت در این باره می‌باشد. یکی از این نمونه‌ها، برخورد زید بن سَعْنَه با پیامبر است. زید که هنوز مسلمان نشده بود، برای طلب بدهی‌اش با خشونت و بی‌احترامی به پیامبر نزدیک شد و در حضور اصحاب، با لحنی تند و رفتاری زننده، حق خود را مطالبه کرد. در این لحظه، عمر بن خطاب با خشم واکنش نشان داد و قصد برخورد شدید با زید را داشت، اما پیامبر با آرامش، لبخند و متانت، عمر را به نرمی و حسن رفتار دعوت کرد و فرمود: «من و او بیش از هر چیز به نیکو پرداختن و نیکو طلب کردن نیاز داشتیم».

سپس پیامبر نه تنها بدهی زید را پرداخت، بلکه بیست صاع خرما نیز افزون بر آن داد تا ترسی را که عمر در دل زید ایجاد کرده بود، جبران کند (ابن کثیر، ۱۹۷۶م، ۲۹۶/۱)

همچنین، در حادثه‌ای دیگر از عمر بن خطاب آمده است که هنگام اصلاح مو توسط سلمانی، حرکتی از عمر باعث ترس سلمانی شد و او به گونه‌ای واکنش نشان داد که صدای آن توسط حاضران شنیده شد. عمر گفت: «قصداً ما این نبود، اما دیده‌اش را به تو می‌پردازیم» و مبلغ چهل درهم نقره به عنوان دیه پرداخت شد. این نیز نمونه‌ای از جبران خسارت معنوی ناشی از ترس و اضطراب است (الصنعانی، ۱۴۰۳ه، ۲۳/۱۰).

۴.۴. حقوق ج.ا. ایران

علاوه بر موارد فوق الذکر در مباحث فقهی که برای مشروعیت خسارت معنوی در حقوق ایران نیز قابل اعتنا می‌باشد. خسارت معنوی در حقوق ایران از جمله در قانون مسئولیت مدنی و ماده یک این قانون و قانون آیین دادرسی کیفری نیز به رسمیت شناخته شده است و تردیدی در آن وجود ندارد.

در کنار تبیین خسارت معنوی باید گفت؛ شخصیت حقوقی فارغ از جنبه‌های مختلف آن در حقوق موضوعه که تکرار آن غیر ضروری به نظر می‌رسد در متون شرعی نیز اگرچه نه با این عنوان اما با مصادیق متعدد دارای پیشینه فقهی می‌باشد. در تعبیر فقهی عناوینی مانند «جهت عامه»، «مصلح عامه» در بحث وقف مترادف با شخصیت حقوقی می‌باشد (نظری، ۱۳۹۶، ۱۰۷). مصداق بارز و با اهمیت شخص حقوقی در فقه «بیت المال» می‌باشد. که دارای شخصیت مستقل از دیگران بوده و قوام خاص خود را دارد. از این رو می‌دانیم که بیت المال می‌تواند مالک مالی بشود یا این که مالی را به دیگران تملیک کند (حائری، ۱۳۷۹، ۲۲). به همین ترتیب اماکن مقدسه مانند خانه کعبه، مسجد و... به همراه دیگر عناوین از جمله امامت، دولت و... از مصادیق مهم شخصیت حقوقی در فقه اسلامی به حساب می‌آید (نظری، ۱۳۹۶، ۱۰۷). پس از بیان اجمالی شخصیت حقوقی و خسارت معنوی در فقه و حقوق می‌توان گفت تمسک به قاعده لاضرر خود می‌توان اثبات کننده تعلق خسارت معنوی به شخص حقوقی باشد. زیرا وقتی شخص حقوقی را دارای حقوق و تکالیفی دانستیم به تبع ورود ضرر به آن را نیز باید به رسمیت بشناسیم.

اختلاف نظر در حقوق ایران در خصوص امکان مطالبه خسارت معنوی شخص حقوقی چه بسا مانند آنچه در حقوق خارجی بیان شد ناشی از اختلاف در ماهیت فرضی یا واقعی بودن شخص حقوقی می‌باشد. برخی با استناد به ماده ۵۸۸ اعتقاد به واقعی بودن ماهیت شرکت دارند (پاسبان، ۱۴۰۲، ۳۳) و برخی اعتقاد به فرضی بودن ماهیت شرکت دارند (اسکینی، ۱۳۹۵، ۴۶). در این خصوص به نظر می‌رسد برخلاف نظر برخی (میرشکاری، ۱۴۰۱، ۵۲) اثبات امکان مطالبه جبران خسارت معنوی برای شخص حقوقی منوط به تعیین تکلیف ماهیت شخص حقوقی اعم از فرضی یا واقعی بودن نیست. زیرا در هر دو فرض مزبور امکان تحقق خسارت معنوی به شخص حقوقی از جمله ورود خسارت به اعتبار و نام تجاری شرکت وجود دارد و این امر لزوماً ارتباطی تعیین ماهیت آن ندارد. همچنین در این راستا می‌توان به ماده ۵۸۸ قانون تجارت نیز تمسک جست که مطابق آن شخص حقوقی از تمامی حقوق مدنی بهره‌مند می‌شود، مگر حقوقی که به واسطه طبیعت خود، صرفاً مختص اشخاص حقیقی باشد (کوشش کار، قاسمی عهد، ۱۳۹۸، ۵۴).

در رویه قضایی ایران برخلاف مطالبه خسارت معنوی توسط اشخاص حقیقی آرای زیادی راجع به مطالبه خسارت معنوی توسط شخص حقوقی در دسترس نبوده تا جهت گیری محاکم در این خصوص قابل مشاهده باشد. با این وجود در رای شماره

۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۱۰۱۷۰۲ شعبه ۱۰۴۳ دادگاه عمومی جزایی تهران سال ۱۳۹۲ دادگاه در خصوص خواسته جبران خسارت معنوی خواهان بیان می کند که خسارت معنوی برابر قوانین موضوعه جاری قابل مطالبه نیست، یا حداقل ملاک ارزیابی برای آن وجود ندارد.

با این حال دیدگاه فوق قابل انتقاد به نظر می رسد و در زمانی که شخص حقوقی ناشی از رفتارهای زیانبار دیگران دچار خسارات غیرمادی و معنوی شده است مطابق مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری حکم به جبران خسارت داد. همچنین ماده ۷۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶ با صراحت بیشتری امکان جبران خسارت معنوی شخص حقوقی را پیش بینی کرده است مطابق این ماده: « هر یک از اعضاء شورای رقابت، اعضاء هیأت تجدیدنظر، رؤسا و کارکنان مرکز ملی رقابت و همچنین هر یک از حقوق بگیران آنها و اشخاص طرف قرارداد آنها و نیز هر شخص دیگری که از مقررات این قانون برای ضربه زدن به منافع مالی یا اعتبار تجاری و حرفه ای اشخاص حقیقی یا حقوقی سوء استفاده کند، علاوه بر جبران خسارات به حبس تعزیری از سه تا پنج سال یا جزاء نقدی از پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پانصد میلیون (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». همچنان که مشخص است ماده ۷۶ قانون اخیرالذکر ورود خسارت به شخص حقوقی را پیش بینی کرده و برای تعدی به آن نیز جبران خسارت معنوی و همچنین مجازات پیش بینی کرده است بدیهی است مقررات این قانون در این ماده برای صرف این قانون نبوده و در هر مورد دیگری نیز جریان خواهد داشت. در این زمینه همچنین می توان به تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات اشاره کرد و آن را نیز مستندی قانونی برای مطالبه چنین زیان هایی قائل بود. مطابق این ماده: «انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبتهای توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است، مدیرمسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی میگردد، و تعقیب جرائم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله ای که باشد متوقف خواهد شد».

تبصره ۱ - در موارد فوق شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی) میتواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید».

همچنین باید گفت ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز صراحت بیشتری در پذیرش مطالبه خسارت معنوی با این توضیح که مطابق این ماده زیان وارده به شهرت تجاری اشخاص قابل جبران است و تردیدی وجود ندارد که از مصادیق بارز تجار شرکت های تجاری می باشند که بیشترین سهم را در تجارت جبران می کنند. پس چگونه می توان معتقد بود که در قانون مبنایی برای جبران خسارت معنوی شخص حقوقی تعیین نشده است.

۵. نحوه ارزیابی خسارت معنوی در حقوق ایران، مصر و فرانسه

پس از آنکه امکان مطالبه خسارت معنوی توسط اشخاص حقوقی به طور کافی مورد بررسی قرار گرفت، ضروری است به شیوه‌های جبران این نوع خسارت نیز پرداخته شود. طبیعی است در نحوه جبران خسارت نباید تفاوتی میان شخص حقیقی و حقوقی قائل شد.

همان‌گونه که می‌دانیم، هدف اصلی در نظام مسئولیت مدنی، بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیت پیش از وقوع زیان است. در راستای تحقق این هدف، جبران خسارت معنوی می‌تواند از دو طریق مالی و غیرمالی صورت گیرد.

در روش غیرمالی، از ابزارهایی مانند عذرخواهی رسمی، انتشار خبر برائت زیان‌دیده در رسانه‌ها، یا اصلاح اطلاعات نادرست استفاده می‌شود. با این حال، در مواردی این شیوه‌ها کفایت نمی‌کنند یا امکان‌پذیر نیستند؛ در چنین شرایطی، جبران مالی به‌عنوان راه‌حل جایگزین مطرح می‌شود. اما این روش نیز با چالش‌هایی مواجه است؛ از جمله اینکه خسارت معنوی فاقد ارزش‌گذاری بازاری یا بورسی مشخص است و به دلیل ماهیت غیرملموس آن، ارزیابی دقیق میزان زیان دشوار خواهد بود (میرشکاری و حسینی، ۱۴۰۲: ۳۵۶).

شیوه‌های ارزیابی خسارت معنوی در نظام‌های حقوقی مختلف تفاوت‌هایی دارند. برای نمونه، در حقوق ایالات متحده آمریکا، در مواردی که زیان معنوی جزئی یا خفیف باشد، از خسارت نمادین یا اسمی استفاده می‌شود. هدف از این نوع خسارت، تقبیح رفتار زیان‌زننده و تسکین خاطر زیان‌دیده است، بدون آنکه مبلغ قابل‌توجهی پرداخت شود. (Wells, 2021: 1134)

در برخی نظام‌های دیگر، گرایش به استانداردسازی و یکسان‌سازی وجود دارد؛ به این معنا که خسارت معنوی بر اساس معیار «انسان متعارف» و با استناد به پرونده‌های مشابه گذشته ارزیابی می‌شود، بدون توجه به ویژگی‌های فردی زیان‌دیده. نمونه بارز این رویکرد، صندوق غرامت قربانیان حادثه ۱۱ سپتامبر است که در آن، مبلغ ثابتی معادل ۲۵۰۰۰۰۰ دلار برای اغلب قربانیان در نظر گرفته شد. (Avraham ۲۰۱۷: ۱۱) ایراد اصلی این روش آن است که ویژگی‌های شخصی زیان‌دیده، که در تعیین شدت زیان معنوی نقش مستقیم دارند، نادیده گرفته می‌شوند. اگرچه هدف از جبران خسارت معنوی، تسکین روانی زیان‌دیده است، اما این تسکین به‌طور طبیعی تحت تأثیر شرایط خاص هر فرد قرار دارد (میرشکاری و حسینی، ۱۴۰۲: ۳۵۸).

رویکرد مشابهی در حقوق کشورهای مصر و اردن نیز مشاهده می‌شود که تحت عنوان «جبران خسارت جزایی» شناخته می‌شود. در این روش، قاضی یا کارشناس دادگاه، مبلغی را به‌صورت تقریبی و بدون ارائه مبنای محاسباتی مشخص، به‌عنوان جبران خسارت پیشنهاد می‌دهد. این مبلغ معمولاً بر اساس تجربه، عرف، و ارزیابی کلی از شرایط پرونده تعیین می‌شود (عبدالرحمن منصور، ۲۰۲۲: ۹۹). در واقع، در این شیوه، دادگاه برای تعیین میزان خسارت معنوی به نظر کارشناس متخصص استناد می‌کند، اما همچنان اختیار نهایی در تعیین مبلغ در دست قاضی باقی می‌ماند؛ چه از طریق پذیرش نظر کارشناس، و چه از طریق صدور حکم مستقل. موبد این امر در حقوق مصر ماده ۲۲۱ قانون مدنی مصر می‌باشد؛ این ماده تصریح می‌کند که در صورتی که نحوه جبران خسارت در قرارداد یا بر اساس حکم قانونی مشخص نشده باشد، تعیین میزان آن بر عهده دادگاه خواهد بود. همچنین، ماده ۲۲۲ این قانون به‌صراحت اعلام می‌دارد که جبران خسارت، شامل خسارت‌های معنوی نیز می‌شود. همچنین مطابق ماده ۱۷۰ قانون مدنی جدید مصر: «قاضی میزان غرامت خسارت وارده به زیان‌دیده را مطابق با مفاد مواد ۲۲۱ و ۲۲۲ و با در نظر گرفتن شرایط پیرامونی ارزیابی خواهد کرد». یکی از نشانه‌های روشن‌گرایش رویه قضایی نقض مصر به همین رویکرد، آن چیزی است که در آرای متعدد این دادگاه آمده است. در این آرا تصریح شده: «تعیین میزان غرامت از جمله مسائل واقعی است که قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده در آن استقلال دارد، مشروط بر اینکه عناصر

تشکیل‌دهنده آن را به‌روشنی بیان کند». دیوان عالی مصر نیز در یک رای این گونه بیان می‌دارد: «تعیین غرامت به میزان ضرر، از اختیارات قاضی رسیدگی‌کننده است، مادامی که قانون، معیارهای خاصی را برای آن تعیین نکرده باشد؛ مشروط بر اینکه این ارزیابی بر مبنای منطقی و قابل پذیرش، مستند به عناصر ثابت در پرونده و دلایلی باشد که میان مبنای غرامت و علت الزام به پرداخت آن، توازن برقرار کند» (عبدالرحمن منصور، ۲۰۲۲: ۵۸).

چنین رویکردی در حقوق فرانسه نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. دیوان عالی فرانسه در همین راستا تصریح کرده است که تعیین میزان غرامت، وظیفه‌ای است که به صورت مطلق و واقع‌بینانه بر عهده قضات رسیدگی‌کننده به پرونده قرار دارد، مگر آنکه قانون یا توافقی قبلی، مبلغ مشخصی را تعیین کرده باشد. همچنین، این مرجع عالی قضایی در آرای متعدد خود بر استقلال قضات در ارزیابی و تعیین میزان خسارت تأکید کرده است (عبدالرحمن منصور، ۲۰۲۲: ۵۸). در حقوق ایران، همان‌گونه که مشهور است، دو شیوه برای جبران زیان وجود دارد: جبران عینی و جبران بدلی. در روش عینی، هدف بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیت پیش از ورود زیان است. برای نمونه، در مورد مال مغضوب، با بازگرداندن مال، زیان‌دیده به وضعیت سابق خود بازمی‌گردد. همچنین، در مواردی مانند از دست رفتن زیبایی، می‌توان با الزام عامل زیان به پرداخت هزینه‌های جراحی، وضعیت زیان‌دیده را تا حدی به حالت پیشین بازگرداند (میرشکاری و حسینی، ۱۴۰۱، ص ۳۶۲).

با این حال، جبران عینی همیشه امکان‌پذیر نیست. برای مثال، اگر سخنی موجب لطمه به حیثیت فردی شود، راهی برای از بین بردن منبع زیان وجود ندارد. در چنین مواردی، از روش جبران بدلی استفاده می‌شود. البته این روش نیز در برخی موارد پاسخ‌گو نیست؛ زیرا آبروی از دست‌رفته، نظیری ندارد که بتوان برای آن جایگزینی در نظر گرفت. با این حال، باید تلاش کرد تا زیان‌دیده به نزدیک‌ترین وضعیت ممکن نسبت به پیش از ورود زیان بازگردد.

در این راستا، رویه قضایی ایران از دو روش جبران مالی و غیرمالی (مانند عذرخواهی) بهره می‌گیرد. ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری بر استفاده از این دو شیوه تأکید دارند. عذرخواهی، یکی از مهم‌ترین مصادیق جبران غیرمالی خسارت معنوی به‌شمار می‌رود.

برای نمونه، در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۰۹۳۲ مورخ ۲۶/۸/۱۳۹۲ شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر تهران، فردی که برای صدور حکم طلاق اقدام به جعل مدارکی منتسب به وزارت اطلاعات کرده بود، به دلیل لطمه به حیثیت شغلی و شخصی طرف مقابل، به درج عذرخواهی در روزنامه کثیرالانتشار محکوم شد.

در پرونده‌ای دیگر، وزارت بهداشت از ثبت‌نام فرد پذیرفته‌شده در آزمون تخصصی ارتودنسی جلوگیری کرده بود. پس از ۹ سال، با حکم دیوان عدالت اداری، فرد به دانشگاه شهید بهشتی معرفی شد. دادگاه نیز در دادنامه شماره ۸۹۰۰۲۰۰ مورخ ۱۸/۳/۱۳۸۹، وزارت بهداشت را به عذرخواهی از خواهان در یکی از جرایم کثیرالانتشار محکوم کرد.

پرداخت وجه نقد نیز یکی دیگر از روش‌های جبران خسارت معنوی در رویه قضایی ایران است. در این روش، دادگاه‌ها با الزام عامل زیان به پرداخت مبلغی پول، تلاش می‌کنند زیان معنوی وارده را جبران کنند. برخی دادگاه‌ها در ارزیابی میزان خسارت، به

کنوانسیون‌های بین‌المللی استناد می‌کنند. برای مثال، شعبه ۲۰۶ دادگاه عمومی تهران در دادنامه شماره ۶۱۷۸۸۰ مورخ ۱۴/۱/۱۳۸۸، در خصوص تأخیر پرواز تهران-مشهد، به استناد ماده ۸ پروتکل گواتمالا، خسارت معنوی خواهان‌ها را به مبلغ ۲۲ میلیون ریال و برای فرزندشان ۵ میلیون ریال تعیین کرد.

در پرونده‌ای دیگر، پزشک در تشخیص بیماری هموفیلی جنین دچار اشتباه شده بود و جنین با این بیماری متولد شد. دادگاه، با احراز ورود صدمات روحی و روانی شدید به والدین، پزشک را به پرداخت ۵ درصد دیه کامل مرد مسلمان بابت خسارت معنوی محکوم کرد. در این دادنامه، معیار مشخصی برای ارزیابی خسارت بیان نشده بود.

همچنین، شعبه‌ای دیگر در دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۸۷۱۲۶۰۰۸۲۳ مورخ ۲۰/۹/۱۳۹۵، بانکی را به دلیل درج نام خواهان در لیست مشکوک‌الوصول و لطمه به حیثیت شخصی و تجاری وی، به پرداخت ۳۰ میلیون تومان محکوم کرد.

در دادنامه شماره ۲۰۰۶۲۹ مورخ ۲۵/۸/۱۳۹۴، دادگاه به دلیل قصور و بی‌احتیاطی خواننده در از بین بردن فیلم عروسی خواهان، وی را به پرداخت ۶۰۰ هزار تومان خسارت مادی و ۶۰۰ هزار تومان خسارت معنوی محکوم نمود.

در برخی موارد، دادگاه‌ها از شیوه نمادین برای جبران خسارت معنوی بهره می‌گیرند؛ مشابه آنچه در حقوق آمریکا برای خسارات سبک رایج است. در دادنامه شماره ۴۴۲ مورخ ۳۰/۵/۱۳۸۵، دادگاه با هدف تأکید بر اهمیت خسارت معنوی و رد بی‌اعتنایی نظام حقوقی به آن، خواننده را به پرداخت یک ریال بابت فریب در ازدواج محکوم کرد. هرچند مبنای این مبلغ مشخص نیست، اما همین محکومیت نمادین می‌تواند موجب تسکین آلام زیان‌دیده شود. در مجموع، رویه قضایی ایران برای جبران خسارت معنوی از شیوه‌های متعددی استفاده می‌کند تا این نوع زیان بدون جبران باقی نماند. اگرچه روش‌های غالب شامل عذرخواهی و پرداخت مالی هستند، اما عملکرد قضات نشان می‌دهد هدف اصلی، تلاش برای تسکین خاطر زیان‌دیده است. نکته مهم آن است که در جبران خسارت معنوی، هدف ترمیم نیست بلکه تسکین روانی است. از سوی دیگر، تعیین شیوه جبران بدون توجه به ویژگی‌های شخصی زیان‌دیده، عرف جامعه و سایر شرایط ممکن نیست. بنابراین، قضات باید از اختیارات مندرج در ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی بهره ببرند و در راستای شخصی‌سازی میزان خسارت اقدام کنند (میرشکاری و حسینی، ۱۴۰۱، ص ۳۷۲).

نتیجه‌گیری

با توجه به مبانی قانونی و تحلیل‌های حقوقی ارائه‌شده، می‌توان مطالبه خسارت معنوی توسط اشخاص حقوقی را امری مشروع و قابل پذیرش در نظام حقوقی ایران دانست. هرچند در رویه قضایی کشور، تردیدهایی نسبت به پذیرش این نوع خسارت برای اشخاص حقوقی وجود داشته، اما با استناد به مواد ۵۸۸ قانون تجارت، ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی، ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات و ماده ۷۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، می‌توان مبنای قانونی لازم برای جبران زیان معنوی وارده به اشخاص حقوقی را احراز نمود. در حقوق تطبیقی نیز، حقوق فرانسه با پذیرش صریح خسارت معنوی برای اشخاص حقوقی، رویه‌ای تثبیت‌شده و روشن دارد که در آرای متعدد دیوان عالی آن

کشور قابل مشاهده است. در مقابل، حقوق مصر با وجود غلبه دیدگاه عدم پذیرش، در موارد استثنایی و خاص، رأی به جبران خسارت معنوی به نفع اشخاص حقوقی صادر کرده است. بنابراین، با توجه به مستندات قانونی موجود در حقوق داخلی و تجارب حقوقی سایر کشورها، به نظر می‌رسد دادگاه‌های ایران نیز می‌توانند با اتکا به این مبانی، مطالبه خسارت معنوی از سوی اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته و در موارد مقتضی، حکم به جبران آن صادر نمایند.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی

۱. اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۵). حقوق شرکت‌های تجاری (جلد اول). تهران: انتشارات سمت.
۲. پاسبان، محمدرضا. (۱۴۰۲). حقوق شرکت‌های تجاری. تهران: انتشارات سمت.
۳. حائری، سید کاظم (۱۳۷۹). «مالکیت‌های شخصیت‌های حقوقی». فقه اهل بیت، (۲۱).
۴. حدادی، فاضل (۱۳۹۵). «جبران خسارت معنوی از منظر فقه و حقوق». مجله فقهی - حقوقی رسائل، ۳ (۶-۵)، ۴۹-۲۷.
۵. حیاتی، علی عباس (۱۳۹۸). «مفهوم و چگونگی جبران خسارت‌های گروهی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)». فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۲ (۴)، ۱۲۰-۱۳۶. Doi: [10.22034/law.2019.239613](https://doi.org/10.22034/law.2019.239613)
۶. عزیزی حسونند، مهدی (۱۳۹۹). «بررسی صلاحیت قاعده لا ضرر بر جبران خسارت معنوی». دو فصلنامه تحریر، (۱۷).
۷. کاتوزیان، ناصر. (۱۴۰۲). الزام‌های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی (جلد اول: قواعد عمومی). تهران: نشر گنج دانش.
۸. کورانی عاملی، علی. (۱۴۰۲). سیره‌نامه امیرالمؤمنین (جلد اول). تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۹. کوشش کار، ریحانه و قاسمی عهد، وحید (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی جبران خسارت معنوی هتک حیثیت اشخاص در نظام حقوقی ایران و انگلستان». دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۸ (۱)، ۴۷-۶۴.
۱۰. مخلص آبادی فراهانی، عصمت؛ میرداداشی کاری، مهدی و دلشاد معارف، ابراهیم (۱۴۰۲). «واکاوی شرایط خسارت معنوی اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان». فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، ۵ (۵)، ۲۶۱-۲۷۸.
۱۱. مرعشی شوشتری، محمدحسین. (۱۳۷۶). دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام (جلد ۱-۲). تهران: نشر میزان.
۱۲. میر شکاری، عباس و حسینی، فاطمه سادات (۱۴۰۲). «مطالعه تطبیقی روش جبران زیان معنوی با تأکید بر رویکرد رویه قضایی ایران». مجله حقوقی دادگستری، ۸۷ (۱۲۱)، ۳۵۱-۳۷۸.
۱۳. میر شکاری، عباس و حسینی، فاطمه سادات (۱۴۰۲). «مطالعه تطبیقی روش جبران زیان معنوی با تأکید بر رویکرد رویه قضایی ایران». مجله حقوقی دادگستری، ۸۷ (۱۲۱)، ۳۵۱-۳۷۸.
۱۴. نظری، حسن آقا (۱۳۹۶). «بررسی فقهی - حقوقی شخصیت حقوقی». حقوق اسلامی، ۱۴ (۵۴)، ۸۷-۱۱۲.
۱۵. نقیبی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۶). «نظریه جبران مالی خسارت معنوی در حقوق اسلامی». الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، (۷۷)، ۱۸۱-۲۱۵.

ب- منابع عربی

۱۶. ابن کثیر. (۱۹۷۶). السیره النبویه. بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع.

١٧. حر عاملي، محمد بن حسن؛ حسيني جلالى، محمدرضا؛ و مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث. (١٣٧٤-١٤١٦). تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة (جلد ١-٣٠). قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
١٨. دور الخبير في تقدير التعويض عن الضرر المعنوي (دراسة مقارنة) (٢٠٢٢). امان جمال عبدالرحمن منصور، جامعه النجاح الوطني.
١٩. الصنعاني، عبد الرزاق. (١٤٠٣). مصنف عبد الرزاق الصنعاني. بيروت: المكتب الإسلامي.
٢٠. عبد الباسط صالح السندی. (٢٠٢٢). التعويض عن الضرر الأدبي بين الشريعة والقانون. مجلة البحوث الأكاديمية، ٢٣، ١٠٦-٨٧.
٢١. عمر منصور عاشور أبو عجيلة. (٢٠٢٤). الأسانيد والضوابط الشرعية المتعلقة بالتعويض عن الضرر الأدبي: دراسة مقارنة بين الشريعة والقانون الليبي. المجلة الإفريقية للدراسات المتقدمة في العلوم الإنسانية والاجتماعية. ٤٧٨-٤٦٤، (AJ ASHSS)
٢٢. العنزي، سامي الهدال، العنزي، & عبدالكريم ربيع. (٢٠٢١). مدى ملائمة الضرر الأدبي للشخصية الاعتبارية: دراسة وصفية مقارنة بين القانونين الفرنسي والمصري. كلية القانون الكويتية العالمية، ٣٨(١٠)، ١٠٧-١٧٨.
٢٣. العياش، م. ع. (٢٠٢١). الضرر الأدبي للشخص الاعتباري - مقارنة تحليلية مقارنة. مجلة الحقوق، ٤٥(٢/٤).
<https://doi.org/10.34120/jol.v45i2.45>
٢٤. فتح الباب، & محمد ربيع. (٢٠٢٤). حق الشخص الاعتباري في التعويض عن الضرر الأدبي (دراسة تحليلية مقارنة بين القانون المصري والقانون الفرنسي). مجلة الدراسات القانونية والاقتصادية، ١٠(١)، ٣٢٧٨-٣٤٠٠.
٢٥. قها، & باسل. (٢٠٠٩). التعويض عن الضرر الأدبي دراسة مقارنة، Doctoral dissertation، جامعة النجاح الوطنية كلية الدراسات العليا.

ج - منابع انگلیسی

26. Brouillou, G. (2014). Le préjudice moral des personnes morales. *Revue Juridique de l'Ouest*, 27(1), 7-46.
27. Moréteau, O., & On, A. D. (2012). X. France. *European Tort Law Yearbook*, 2(1), 229-260.
28. Wyszynska-Ślufińska, P. (2024). Compensation for moral harm caused to a legal entity—does the new Polish supreme Court resolution of 2023 provide a remedy for the Polish legal system? some critical remarks in a comparative perspective. *Wiadomości Ubezpieczeniowe*, (1), 47-59.
29. Broche, C. (2013). Faut-il en finir avec le dommage moral des personnes morales?. *Revue Lamy Droit civil*, (104), 19.
30. Karner, E., & Steininger, B. C. (Eds.). (2024). 2023. *Walter de Gruyter GmbH & Co KG*.
31. Do, V. D. (2018). La réforme du droit de la responsabilité civile: regards croisés vietnamo-français. *Revue internationale de droit comparé*, 70(1), 119-148.
32. Carreras, F. L. (2016). Les personnes morales et le préjudice moral en France. *Aequitas Virtual*, 10(25).
33. Kassem, P., & Hassan, M. (2020). MORAL DAMAGE AND THE JURIDICAL PERSON-AN ANALYTICAL CRITICAL READING OF THE JUDGEMENT OF THE EGYPTIAN COURT OF CASSATION-THE CIVIL & COMMERCIAL CHAMBER, 22/1/2018. *BAU Journal-Journal of Legal Studies*.

34. Kassem, P., & Hassan, M. (2020). THE MORAL DAMAGE AND THE JURISTIC PERSON IN LIGHT OF THE TWO DECISIONS OF THE CASSATION COURT (COMMERCIAL AND ECONOMIC DIVISION) ISSUED ON 10/03/2020 AND 9/6/2020. *BAU Journal-Journal of Legal Studies*.
35. Almaharmeh, M. M. (2022). Compensating a legal person for moral damage in Jordanian law. *J. Pol. & L.*, 15, 1.
36. Wells, M. L. (2021). *Uzuegbunam v. Preczewski*, Nominal Damages, and the Roberts Stratagem. *Ga. L. Rev.*, 56, 1127.
37. Avraham, R. (2017). „Estimating Pain-and-Suffering Damages “. *The Oxford Handbook of Law and Economics: Volume 2: Private and Commercial Law*, 96.

References

1. Eskini, Rabia. (2016). *Hoquq-e Sherkat-haye Tejari (Jeld-e Avval)*. Tehran: Entesharat-e Samt. (in Persian)
2. Pasban, Mohammadreza. (2023). *Hoquq-e Sherkat-haye Tejari*. Tehran: Entesharat-e Samt. (in Persian)
3. Haeri, Seyyed Kazem. (2000). "Malkiyat-haye Shakhshiyat-haye Hoquqi". *Feqh-e Ahl-e Beyt*, (21). (in Persian)
4. Hadadi, Fazel. (2016). "Jebran-e Khesarat-e Ma'navi az Manzar-e Feqh va Hoquq". *Majalle-ye Feqhi-Hoquqi-e Rasayel*, 3 (5-6), 27-49. (in Persian).
5. Hayati, Ali Abbas. (2019). "Mafhoom va Chegonegi-ye Jebran-e Khesarat-haye Gorouhi (Motale'e-ye Tatbigi dar Hoquq-e Iran va Farance)". *Faslname-ye Tahghigh va Tose'e dar Hoquq-e Tatbigi*, 2 (4), 120-136. Doi: [10.22034/law.2019.239613](https://doi.org/10.22034/law.2019.239613)
6. (in Persian)
7. Azizi Hasanvand, Mahdi. (2020). "Barrasi-ye Salahiyat-e Qa'ede-ye La Zarar bar Jebran-e Khesarat-e Ma'navi". *Do Faslname-ye Tahrir*, (17). (in Persian).
8. Katouzian, Naser. (2023). *Elzam-haye Kharej az Gharardad-e Mas'ouliyat-e Madani (Jeld-e Avval: Ghava'ed-e Omoumi)*. Tehran: Nashr-e Ganj-e Danesh. (in Persian).
9. Kourani Ameli, Ali. (2023). *Sireh-nameh-ye Amir al-Mo'menin (Jeld-e Avval)*. Tehran: Sherkat-e Chap va Nashr-e Beyn al-Mellal. (in Persian).
10. Kousheshkar, Reyhaneh & Ghasemi Ahd, Vahid. (2019). "Barrasi-ye Tatbigi-ye Jebran-e Khesarat-e Ma'navi-ye Hatk-e Hesiyyat-e Ashkhas dar Nezam-e Hoquqi-e Iran va Englis". *Do Faslname-ye Elmi-ye Danesh-e Hoquq-e Madani*, 8 (1), 47-64. (in Persian).
11. Mokhles Abadi Farahani, Esmat; Mirdadashti Kari, Mahdi & Delshad Ma'aref, Ebrahim. (2023). "Vakavi-ye Sharayet-e Khesarat-e Ma'navi-ye Ashkhas-e Hoquqi dar Hoquq-e Iran va Englis". *Faslname-ye Elmi-ye Motale'at-e Feqh-e Eghtesadi*, 5 (5), 261-278. (in Persian).
12. Mar'ashi Shoushtari, Mohammad Hasan. (1997). *Didgah-haye No dar Hoquq-e Keyfari-ye Eslam (Jeld 1-2)*. Tehran: Nashr-e Mizan. (in Persian).
13. Mir Shekari, Abbas & Hosseini, Fatemeh Sadat. (2023). "Motale'e-ye Tatbigi-ye Ravesh-e Jebran-e Ziyane Ma'navi ba Ta'kid bar Roykard-e Roye-ye Qaza'i-ye Iran". *Majalle-ye Hoquqi-e Dadgostari*, 87 (121), 351-378. (in Persian)
14. Mir Shekari, Abbas & Hosseini, Fatemeh Sadat. (2023). "Motale'e-ye Tatbigi-ye Ravesh-e Jebran-e Ziyane Ma'navi ba Ta'kid bar Roykard-e Roye-ye Qaza'i-ye Iran". *Majalle-ye Hoquqi-e Dadgostari*, 87 (121), 351-378. (in Persian)
15. Nazari, Hasan Agha. (2017). "Barrasi-ye Feqhi-Hoquqi-ye Shakhshiyat-e Hoquqi". *Hoquq-e Eslami*, 14 (54), 87-112. (in Persian).
16. Naqibi, Seyyed Abolghasem. (2007). "Nazari-ye Jebran-e Mali-ye Khesarat-e Ma'navi dar Hoquq-e Eslami". *Elahiyat va Ma'aref-e Eslami (Motale'at-e Eslami)*, (77), 181-215. (in Persian).
17. Ibn Kathir. (1976). *Al-Sirah al-Nabawiyyah*. Beirut: Dar al-Ma'arefah le-Teba'ah va Nashr va Tovzi'. (in Arabic).
18. Harr Ameli, Mohammad ibn Hassan; Hosseini Jalali, Mohammadreza; va Mo'asseseh Al al-Bayt (AS) le-Ehya' al-Torath. (1995-1996). *Tafsil-e Vasa'el al-Shi'ah ila Tahsil-e Masa'el al-Shari'ah (Jeld 1-30)*. Qom: Mo'asseseh Al al-Bayt (AS) le-Ehya' al-Torath. (in Arabic).
19. *Dor al-Khabir fi Taqdir al-Ta'viz 'an al-Darar al-Ma'navi (Derasah Moqaranah)*. (2022). Aman Jamal Abdulrahman Mansour, Jame'at al-Najah al-Wataniyyah. (in Arabic).

20. San'ani, Abdul Razzaq. (1983). *Mosannaf Abdul Razzaq al-San'ani*. Beirut: al-Maktab al-Islami. (in Arabic).
21. Abdul Baset Saleh al-Sendi. (2022). "Al-Ta'viz 'an al-Darar al-Adabi bayn al-Shari'ah wa al-Qanoun". *Majallat al-Bohouth al-Akademiyyah*, 23, 87-106. (in Arabic).
22. Omar Mansour Ashour Abu Ajilah. (2024). "Al-Asanid wa al-Dhawabet al-Shar'iyyah al-Muta'alliqah bi al-Ta'viz 'an al-Darar al-Adabi: Derasah Moqaranah bayn al-Shari'ah wa al-Qanoun al-Libi". *al-Majallah al-Ifriqiyyah le-Derasat al-Motaghaddemah fi al-Oloum al-Insaniyyah wa al-Ejtima'iyyah (AJASHSS)*, 464-478. (in Arabic)
23. al-Anzi, Sami al-Hazal, al-Anzi, & Abdulkarim Rabee'. (2021). "Mada Mola'amat al-Darar al-Adabi le-Shakhsiyyah al-E'tebariyyah: Derasah Wasfiyyah Moqaranah bayn al-Qanounayn al-Faransi wa al-Masri". *Kolleh al-Qanoun al-Kuwaitiyyah al-Alamiyyah*, 38(10), 107-178. (in Arabic).
24. al-Ayyash, M. A. (2021). "Al-Darar al-Adabi le-Shakhs al-E'tebari – Moqarabeh Tahliliyyah Moqaranah". *Majallat al-Hoquq*, 45(4/2). <https://doi.org/10.34120/jol.v45i4.2701> (in Arabic).
25. Fath al-Bab, & Mohammad Rabee'. (2024). "Haqq al-Shakhs al-E'tebari fi al-Ta'viz 'an al-Darar al-Adabi (Derasah Tahliliyyah Moqaranah bayn al-Qanoun al-Masri wa al-Qanoun al-Faransi)". *Majallat al-Derasat al-Qanouniyyah wa al-Eqtisadiyyah*, 10(1), 3278-3400. (in Arabic).
26. Qabha, & Basel. (2009). *Al-Ta'viz 'an al-Darar al-Adabi Derasah Moqaranah* (Doctoral dissertation, Jame'at al-Najah al-Wataniyyah, Kolleh al-Derasat al-Olya). (in Arabic).
27. Brouillou, G. (2014). Le prejudice moral des personnes morales. *Revue Juridique de l'Ouest*, 27(1), 7-46.
28. Moreteau, O., & On, A. D. (2012). X. France. *European Tort Law Yearbook*, 2(1), 229-260.
29. Wyszynska-Slufinska, P. (2024). Compensation for moral harm caused to a legal entity—does the new Polish supreme Court resolution of 2023 provide a remedy for the Polish legal system? Some critical remarks in a comparative perspective. *Wiadomosci Ubezpieczeniowe*, (1), 47-59.
30. Broche, C. (2013). Faut-il en finir avec le dommage moral des personnes morales?. *Revue Lamy Droit civil*, (104), 19.
31. Karner, E., & Steininger, B. C. (Eds.). (2024). *European Tort Law 2023*. Walter de Gruyter GmbH & Co KG.
32. Do, V. D. (2018). La reforme du droit de la responsabilite civile: regards croises vietnamo-francais. *Revue internationale de droit compare*, 70(1), 119-148.
33. Carreras, F. L. (2016). Les personnes morales et le prejudice moral en France. *Aequitas Virtual*, 10(25).
34. Kassem, P., & Hassan, M. (2020). Moral damage and the juridical person—an analytical critical reading of the judgement of the Egyptian Court of Cassation—the Civil & Commercial Chamber, 22/1/2018. *BAU Journal—Journal of Legal Studies*.
35. Kassem, P., & Hassan, M. (2020). The moral damage and the juristic person in light of the two decisions of the Cassation Court (Commercial and Economic Division) issued on 10/03/2020 and 9/6/2020. *BAU Journal—Journal of Legal Studies*.
36. Almaharmeh, M. M. (2022). Compensating a legal person for moral damage in Jordanian law. *J. Pol. & L.*, 15, 1.
37. Wells, M. L. (2021). Uzuegbunam v. Preczewski, Nominal Damages, and the Roberts Stratagem. *Ga. L. Rev.*, 56, 1127.
38. Avraham, R. (2017). Estimating Pain-and-Suffering Damages. *The Oxford Handbook of Law and Economics: Volume 2: Private and Commercial Law*, 96.